توفان

دوره سوم

ارگان سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

۱۲۱

Iranische Bibliothek in Hannover

کنفرانس سازمان توفان

اولین کنفرانس سازمان مارکسیستی ـ لنینیستی توفان که اخیرا با شرکت عده ای از کادرهای سازمانی و اکثریت شرکت کننده هیئت مرکزی سابق برگزار شد نقطه تحولی در رسیدن کار سازمان بشمار میاید.

در بررسی علت بحرانی که در درون سازمان پدید آمد و زیانهای بسیاری به سازمان وارد آورد که جبران آنها متضمن تلاش فراوانی است کنفرانس باتفاق آراء براین حقیقت صحه گذاشت که در درون هیئت مرکزی و درون سازمان از دیرباز دو مشی متضاد بویژه در زمینه سازمانی با یکدیگر در مبارزه بوده اند. مشی اپورتونیستی که موازین سازمانی لنینی بویژه اصل مرکزیت دموکراتیک را زیر پا میگذاشت و در نتیجه به تمام عواقب ناشی از فقدان مرکزیت مانند هرج و مرج و پراکندگی سازمانی، لیبرالیسم، گروهی گری در سازمان میدان میداد و مشی مارکسیستی حاکی از لزوم مراعات موازین سازمانی بویژه تکیه بر مرکزیت بخاطر ایجاد یک سازمان منضبط و متمرکز که در آن جائی برای لیبرالیسم، هرج و مرج و پراکندگی نیست.

غلبه مشی اپورتونیستی در رهبری هیئت مرکزی که مسئول آن اکثریت هیئت مرکزی است رهبری سازمان را از ایفاء نقش خویش بازداشت کار سازمان را به تفرقه و پراکندگی کشانید، وحدت اندیشه و عمل را از سازمان سلب کرد و سرانجام کار رهبری به انشعاب کشید. در مبارزه‌ای که در درون سازمان درگرفت اکثریت قریب باتفاق اعضاء و کادرهای سازمان به دفاع از مشی مارکسیستی پرداختند، کنفرانس نیز بر مشی لنینی در زمینه سازمانی صحه گذارد و جز این هم نمیتوانست باشد. سازمان توفان سازمان طبقه کارگر است و در هیچ زمینه‌ای اعم از ایدئولوژیک، سیاسی یا سازمانی نمیتواند جز از اصول مارکسیسم ـ لنینیسم تبعیت کند. ده سال فعالیت سازمان شاهد صادق براین امر است. سازمان ما بار دیگر در کنفرانس وفاداری خود را به اصول مارکسیسم ـ لنینیسم نشان داد و اپورتونیسم را باشدت محکوم کرد.

هواداران مشی اپورتونیستی برای پوشاندن مشی انحرافی خود کوشیدند افکار رفقای درون و بیرون سازمان و حتی اذهان رفقای احزاب برادر را نسبت به مشی سازمان بقیه در صفحه ۲

از کتاب پرستی بپرهیزیم

روشنفکرانی که برای اولین بار با مارکسیسم آشنا میشوند یا کم آشنائی را که برای اظهار فضل و خود نشان دادن به مطالعه مارکسیسم میپردازند کتابیکه اریم را اکثریت خود این پندار بر اپیشان پدید میدهد که اکنون که ما مارکسیسم آشنا شده ایم میتوانیم هر مسئله‌ای را بر اساس آنچه که فرا گرفته‌اند بدرستی و بشیوه علمی حل کنیم. کافی است برای حل مسئله به آثار بزرگان مراجعه کرد و کلید حل آنرا بدست آورد.

این شیوه تفکر واقعیت را نمی بیند و نمی خواهد ببیند، به عبارات و فرمولهای جدا از واقعیت موجود می چسبد و چون فرمولها در انطباق با واقعیت مشخص نیست راه حلی هم که بر اساس آنها برای حل مشکل ارائه میشود در انطباق با شرایط مشخص نیست و در نتیجه با شکست مواجه میگردد.

نشریه شماره ۵ "سازمان توفان" ترجمه اثری از استالین که توسط یکی از کمیته‌های سازمانی در ایران بعمل آمده، مسئول همین حکم است. در مقدمه این نشریه چنین آمده است: "رفقای کمیته مادر ریراتیک روزمره خود در ایران اشکالات متعددی را مشاهده نموده، در پی فرمولبندی، تحلیل، بیان علل و راههایی این مشکلات میبودند. در مقاله پرارزش رفیق استالین روشنائی و چراغ راهنمای خویش را بازیافتند.

رفقای کمیته در مبارزه خود با مسائل و اشکالات زیادی روبرو بوده اند و در پی تحلیل آنها و راههایی برآمده اند بقیه در صفحه ۲

اطلاعیهٔ سازمان توفان

دربارهٔ «احیاء» حزب طبقهٔ کارگر ایران

اخیرا نشریه‌ای بنام "توفان"، "ماهنامه حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران" مژده "احیاء حزب طبقه کارگر ایران را به جوانان خود میدهد. سازمان مارکسیستی ـ لنینیستی توفان اعلام میدارد که از احیاء چنین حزبی در عرصه ایران بی خبر است. نشر این ماهنامه از نام پراعتبار توفان، از نفوذی که ماهنامه مادر داخل و خارج کشور در میان توده‌ها دارد سوء استفاده کرده بهای عصب نام توفان خواسته‌اند سود آوری کنند و "حزب احیاء شده" خود را جا بیندازند.

"احیاء" حزب درست در زمانی صورت گرفت که کنفرانس سازمان توفان بخاطر بازیافتن وحدت در جریان و پاد رشوف تشکیل بود. اما الهام دهنده "احیاء" حزب که با سنگینی از خطا و اشتباه برد و نرد است بجای آنکه مانند رفقای دیگر بخاطر وحدت تمایلات در کنفرانس شرکت جوید و حتی مسئله احیای حزب را به بحث و تصمیم گیری در کنفرانس بگذارد برای فرار از انفراد و بی آبروئی یا علم کردن وجود سازمان "احیاء" حزب، براه انشعاب خائنانه رفت و حقیقت را از رفقای دیگر پنهان داشت تا مقاصد پلید خود را از پیش ببرد.

گردانندگان و الهام دهندگان کسانی که امروز "مژده احیاء حزب طبقه کارگر" را میدهند بر زمره افرادی بود که بیش از شش سال پیش یکبار حزب طبقه کارگر را "احیاء" کردند در حالی که پس از لوفتن سازمانهای مایک جمعیت سازمانی هم در ایران نداشتند و حتی بر آن شدند که سازمان توفان از همان آغاز پیدایش که تعداد اعضای آن از بیست و چهار تجاوز نمیکرد و هیچ ارتباطی با ایران و هیچ سازمانی در ایران نداشت، همان حزب طبقه کارگر بود. برای شیفتگان "احیاء" حزب، همینه چند تن روشنفکر رجائی و لود رشرح در ورهم گرد آمدند و خود را مارکسیست ـ لنینیست خواندند و نشریه‌ای منتشر کردند حزب طبقه کارگر اند، اگرچه از کار یکراب و تودههای زحمتکش هزاران فرسنگ دور باشند. بنظر این مردمان گویا حزب طبقه کارگر را به طبقه کارگر و یکر توده‌ها در زحمتکش نیازی نیست و میتوان بدون آنها، دور از آنها و ورواء آنها حزب طبقه کارگر داشت. اما این شیوه "احیاء" حزب که با مبارزه رفقائی از سازمان مواجه شد آنچنان مفتضح و رسوا از آب درآمد که بانیان آن مجبور شدند آنرا در زیر گیرند "و مسکوت بگذارند. سه سال بعد هم تصمیم خود را در اثر به "احیاء"، اشتباه تشخیص دادند و آنرا ملغی داشتند.

آنها در آنموقع نفهمیدند چرا، وجه دلیل تصمیم خود را لغو کردند اینست که یکی از آنان با فریب دادن و برانگیختن عده‌ای از رفقا و ایجاد جریانی انشعابی همان اشتباه را امروز به شکل دیگری تکرار میکند. این گروه بدین ترتیب "احیاء" حزب طبقه کارگر میسازند شتابزده بدون اطلاع سازمان، بدون تدارک کافی، خود سرانه و با دست فقط بخشی از سازمانهای ایران بدون هیچگونه برنامه و اساسنامه‌ای و با سرهم کردن مشتی در روغ حزب را با برد یکر "احیاء" کردند. آیا به چنین شیوه کاری میتوان امید بست؟ آیا میتوان برای آن آینده‌ای تصور کرد؟

نام عجیبی که بر روی "حزب" خود نهاده‌اند که بدعتی در نام گذاری است و در موارد دیگر هم بجای آن با نام "حزب کمونیست" قناعت کرده‌اند، چاپ اولین شماره "ماهنامه حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران" در خارج از کشور در حالی که بزعم خود آنها "ارگان مرکزی خارج کشور" از عهده وظیفه خطیر خود برنمی آید، شیوه پلیسی بسبک لاشائی که در نوشته "ماهنامه بلاروته" اتهام زنی و حملات شخصی بجای مبارزه سیاسی که از آن بوی "سازمان انقلابی" بمشام میرسد، شیادی و دروغگوئی به سبک شاه که در نهاد الهام دهنده انشعاب است، اینها همه با مشی سازمان مارکسیستی ـ لنینیستی توفان و سبک کار آن هیچ وجه مشترکی ندارد.

این سازمان انشعابی که خود را حزب کمونیست مینامد بجای آنکه محل تجمع کارگران و توده‌های زحمتکش باشد به کمونیست‌ها وظیفه میدهد که "جوانان انقلابی" را بدور پرچم حزب گرد آورند. چرا جوانان؟ مگر حزب کمونیست سازمان سیاسی جوانان است؟ "شکر" حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران" نوشته‌ای "درباره اوضاع بین المللی" صادر کرده، ولی درست درباره بقیه در صفحه ۲

قطعنامهٔ عمومی کنفرانس

در زمینهٔ ایران

در صحنه ایران رژیم فاشیستی شاه کماکان سیاه‌ترین جاست. فاشیسم پهلوی، در یکتاتوری تروریستی علنی ارتجاعی‌ترین و سیاه‌ترین بورژوازی بزرگ وابسته به امپریالیسم امریکا است. رژیمی است که از جانب امپریالیستها و رقیب حال از جانب سوسیال امپریالیسم شوروی و اقمار آن پشتیبانی میشود.

رژیم ضد ملی شاه سالهاست ثروتهای میهن ما را بتاراج امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم میدهد، تمام درآمد نفت را در اختیار بورژوازی بزرگ داخلی و خارجی میریزد، استثمار پرولتاریا و دیگر زحمتکشان را با قوانین و مقررات ضد کارگری تشدید میکند.

رژیم ضد دموکراتیک ایران، رژیمی پلیسی است که در آن هیچ گونه حقی، در هیچ زمینه‌ای برای قاطبه مردم بر سمیت شناخته نمیشود. رژیمی است که در آن هیچکس بر جان و مال و ناموس خود ایمن نیست و هر صدای مخالفی در سینه خفه میشود، هرگونه تظاهر خارجی توده‌های مردم برای دفاع از حقوق و منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خویش بزور اسلحه زیاد رمیاید، ترور و شکنجه به سیستم حکومتی تبدیل شده و سازمان جهنمی امنیت مانند کابوس وحشتناک بر روی جامعه میهن ما سنگینی میکند.

کشور ایران تحت رژیم شاه بهشت بورژوازی بزرگ داخلی و خارجی و جهنم قاطبه مردم ایران است.

امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا در تمام شئون اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی ما رسوخ کرده و ایران را بصورت زائده خود در آورده است. همه چرخهای اساسی اقتصادی، سیاسی و نظامی ما در دست امپریالیسم امریکا است و سود امپریالیسم میکرد در مهم ترین ثروت ملی ما نفت در دهها سال است که بسوی کشورهای متمدن غرب جریان دارد و تمام درآمد حاصل از آن بشکلی به جیب انحصارهای امپریالیستی باز میگردد. سیاست خائنانه شاه روز بروز و هر روز بیشتر حیات کشور و مردم ما را به امپریالیستها وابسته میکرد اند، هر روز چکمه بند های اسارت را بدست و پای خلقهای میهن ما می بندد. در این میان نصیب مردم ما جز محرومیت و فقر و گرسنگی، بیسوادی و بیخانمانی و ... نیست. بقیه در صفحه ۲

در زمینهٔ بین المللی

دوران ما دوران زوال امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی است. دورانی است که طبقه کارگر و زحمتکشان قرار دارد و مضمون اساسی و جهت اصلی آنرا تعیین میکند.

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در کشور روسیه و برای نخستین بار جهان بدو دنیا، دنیای سرمایه داری و دنیای سوسیالیسم تقسیم شد. این تقسیم جهان که در ارای خصلت طبقاتی است هنوز به قوت خود باقی است. اکنون در جهان از یکسو دنیای کشورهای سوسیالیستی وجود دارد که در آنها پرولتاریا به طبقه حاکم مبدل گردیده و به ساختمان جامعه نوین مشغول است، از سوی دیگر دنیای سرمایه داری که در آن پرولتاریا بخاطر کسب قدرت سیاسی میرزمد. نبرد دنیای سرمایه داری و سوسیالیسم در مقیاس جهانی در زمان است نبرد کشورهای سوسیالیستی و پرولتاریای جهانی در اتحاد با خلق های تحت ستم ملی و طبقاتی و همه نیروهای مترقی سراسر جهان علیه امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی و کلیه نیروهای فاشیست و ارتجاعی متحد آنها است.

در حال حاضر امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی دو بزرگترین دشمن خلقها و بزرگترین ستمگر و استثمارگر جهان کنونی، در پایگاه ضد انقلاب و ارتجاع بین المللی اند. هدف استراتژیک آنهاست که سوسیالیسم را از جهان براندازند، از انقلاب جلوگیرند و سیادت خود را بر جهان بگسترانند. آنها به اتفاق یا مستقل از یکدیگر جنبش انقلابی خلق ها را سرکوب میکنند امادر عین حال برای بسط مناطق نفوذ و استقرار سیادت جهانی خود با یکدیگر رقابت میورزند. توافق میان آنها در هر زمینه‌ای که باشد گذرا و ناپایدار است، در حالی که رقابت و مبارزه آنها بر سر سیادت جهانی دائمی است.

رقابت در برقدرت آزادی و استقلال و صلح و امنیت خلق ها را در سراسر جهان به مخاطره افکنده است و پیرامون به جنگ خواهد انجامید. از اینرو مبارزه علیه قدرت و توسیع توده‌ها با مبارزه با آنها وظیفه خطیر همه مارکسیست‌ها بقیه در صفحه ۳

احیاء حزب طبقه کارگر وظیفه عمده سازمان توفان است

www.iran-archive.com

ازشاب . . . بقیه‌ازصفحه ۱

اما بجای تحلیل مشخص مسائل واشکالات وراهیابی براساس چنین تحلیلی همین که برحسب تصادف به مقاله برازنژف استالین دست یافتند گویا تمام مسائل ومشکلها بیکبار راه حل خود را پیدا کردند، درحالی که مقاله رفیق استالین مربوط به اوضاع واحوالی است، مربوط بعصری است که باوضع کنونی کشور ما وسازمان ما متفاوت است. وچنانچه این نسخه استالین بمرحله عمل درآید چه بسا بجای نزدیکشدن یک قدم دیگر بسوی آرمان مقدس احیاء حزب طبقه کارگر ایران" سازمان ما راتجام این وظیفه خود بعقب قرار خواهد رفت.

آیا وضع سازمان ما همان وضع حزب سوسیال دموکرات روسیه در دوره پس از انقلاب ۱۹۰۵ است؟ نه، بهیچوجه.

آیا مشکل سازمان چه در ارتباط باتشکیلات خارج ازکشور وچه در ارتباط با سازمانهای درون کشور مشکل حزب سوسیال دموکرات روسیه در دوره مذکور است؟ بازهم نه بهیچوجه.

پس چگونه میتوان اثر استالین را تحلیل بیان علل وراهیابی مسائل واشکالات سازمان ما دانست؟ رفقای کمیته‌این دستاول را در برابر خود قرار داده‌اند وازآن بدتر اینکه این رفقا گویا ازوضع سازمان خود وسازمان توفان، ازنظرات آن درباره چگونگی احیاء حزب طبقه کارگر وتاریخچه آن درهیئت مرکزی اطلاعی ندارند و لذا با اثر استالین مشابه چراغ راهنما برخورد کرده‌اند.

درپاسخ سئوال اول باید گفت که وضع حزب سوسیال دموکرات روسیه در سالهای پس ازانقلاب ۱۹۰۵ وضع ناشی ازشکست انقلاب واستیلای ارتجاع سیاه خونین است، خصوصیات این دوره چنین است:

۱ـ عده زیادی براثر شکست حزب را رها کردند، تعداد اعضای حزب بمقیاس طبیعی تقلیل یافت.

۲ـ انحطاط وارتداد در میان اعضای حزب شیوع یافت. عده‌ای ازروشنفکران عضو حزب به نفی مارکسیسم ومبارزه علیه آن برخاستند. بسیاری نیز گوشه‌نشین شدند تا کارگران را ازمبارزه انقلابی روگردان کنند.

۳ـ ازلحاظ سیاسی در درون حزب دو جریان انحرافی بوجود آمد: یکی بهواداری ازفعالیت علنی ازحزب علنی، حزبی با طرح تزاریسم برخاست ودیگری استفاده ازسازمانهای علنی را برای حزب مشروع شمرد وحتی برآن شد که باید نمایندگان حزب را از مجلس (دوما) فراخواند.

۴ـ حزب ورهبری منتخب کنگره پنجم آن بجای خود باقی بود منتها بعلت بحران حزب ازصورت یک سازمان منضبط متمرکز که تشکیلات پراکنده خود در روسیه نظارت داشته باشد بدرآمده بود ولازم بود به مرکزیت جان داد وبا انتشار یک روزنامه سراسری تشکیلات را تحت نظارت مرکزیت درآورد، باتودههای کارگر پیوند داد ومبارزه آنها را رهبری کرد.

چنین است فهرست وار وضع حزب سوسیال دموکرات روسیه در سالهای بعد ازانقلاب اول. آیا وضع سازمان ما هیچ شباهتی باوضع حزب سوسیال دموکرات روسیه آنزمان دارد؟ آیا تعداد اعضای سازمان کاهش یافته است؟ آیا اعضای سازمان ما مارکسیسم ـ لنینیسم واندیشه مائوتسه دون را نفی میکنند یا ازمشی صحیح انقلابی انحراف جسته‌اند؟ آیا سازمان ما برتشکیلات خود چه درخارج و چه در ایران نظارت ندارد یا ازچنین کاری ناتوان است؟ آیا ماهنامه ما، ارگان سازمان در سراسر ایران وخارج ازایران پخش نمیشود؟ همه کس می‌بیند که میان وضع حزب سوسیال دموکرات روسیه ووضع سازمان ما کوچکترین وجه تشابهی نمیتوان یافت. پس چه جای استناد بهاین اثر استالین برای "بیان علل، (علل چه؟) و راهیابی" است؟

آنچه در این اثر استالین آموزند ماست برای ما ازاز دیربازبعنوان رهنمود پذیرفته است.

هیئت مرکزی در ۲۸ فوریه ۱۹۶۹ ضمن بحث بخاطر تعیین سیاست سازمان در مورد احیاء حزب طبقه کارگر تصمیم گرفت که مرکز سازمان باید بهایران انتقال یابد چون رهبری مبارزات روزمره توده‌ها ازراه دور میسر نیست.

موضوع پیوند باتوده‌ها حقیقتی است که سازمان ما بارها به همه رفقا یادآوری کرده است: ازجمله درقطعنامه‌ای که رقریب سه سال پیش درهیئت مرکزی به تصویب رسیده چگونگی احیاء حزب چنین آمده است:

"احیاء حزب طبقه کارگر درعرصه ایران پروسه‌ای کم وبیش طولانی راخواهد پیمود که از ایجاد هسته‌ها وسازمانهاد رنقاط مختلف کشور آغاز میشود، هسته‌ها وسازمانهائیکه باتوده‌ها پیوند خواهند یافت ومبارزه آنها رارهبری خواهند کرد.

حزب طبقه کارگر ازاین هسته‌ها وسازمانها بیرون می‌آید" (تکیه ازماست).

آنچه که مربوط به فعالیت سازمان درمیان کارگران است سازمان ما پیوسته یادآور شده است که برای کار درمیان کارگران و جلب آنان به سازمان، اهمیت درجه اول قائل شوند. سازمان ما همیشه برآن بوده است که کار درمیان کارگران باید بادست خود کارگران صورت گیرد. دلیل آنهم روشن است، رژیم شاه هرگونه تماس روشنفکران را با کارگران حتی اگر روشنفکر مهندس یا رئیس کارخانه هم باشد بشدت کنترل میکند ودرنتیجه ورود روشنفکران به محیط کارگری لااقل درشرایط کنونی امکان‌پذیر نیست. ازاینرو درکارخانه‌ها فعالیت اعم ازسندیکائی یا سیاسی باید بادست خود کارگران انجام پذیرد. کسی که اثر لنین "چه باید کرد؟" را خوانده باشد چگونگی حل این مسئله را دریافته است. اینها آن آموزشهائی است که در اثر استالین آمده وسازمان ما ازهمان آغاز کاربد آنها توجه داشته است.

مشکل سازمان ما درکار احیاء حزب درعرصه ایران هم نیست احیاء حزب طبقه کارگر درایران جریان عادی خود را می‌پیمود وایجاد وگسترش هسته‌های سازمانی بایستی درآینده نزدیک به احیاء حزب می‌انجامید. مشکل ما درایرانست که گروهی در درون سازمانی انحراف مرکزی از مشی مارکسیستی ـ لنینیستی در سازمان را جسته وسازمان را ازصورت یک مشی منضبط ومتمرکز بدرآورده بودند زمانی که مبارزه دامنه‌دار ومشی بدرون سازمان را مانع تمام رفقا وفادار به مارکسیسم ـ لنینیسم یکپارچه علیه اپورتونیسم تشکیلاتی برخاستند. آن عده ازاعضای هیئت مرکزی که ازراه مارکسیسم دور شده بودند ـ بجز یک تن که کارش به خیانت کشیده ـ براصحیح بازگشتند. مشکل سازمان ما عارضه‌ای بود که زود پایان پذیرفت و سازمان دوباره واین بارباقوت بیشتر درمسیر صحیح مارکسیستی لنینیستی افتاد.

اثر استالین بهیچوجه "مسئله روزجنبش کارگری ایران وپیدا کردن راه حزب طبقه کارگر نیست. رفقا بجای آنکه واقعیت را ببینند و در ارتباط باواقعیت به حل مشکل بپردازند به واقعیت پشت می‌کنند وبه کتاب روی میاورند وناگهان گویا به کشف مهم دست مییابند فرمولی یافرمولهائی درکتاب می‌بینند که آنها را کلید حل مسائل بغرنج و راه غلبه براشکالات می‌پندارند درحالی که مارکسیسم برآنست که حقیقت مشخص است وجز ازطریق تحلیل واقعیت نمیتوان به حقیقت دست یافت وآنرا درکرکن کرد. کسی که جز این بیندیشد وعمل کند مارکسیست ـ لنینیست نیست، دشمن مارکسیسم است ولوآنکه خود را "تئوریسین" بشمارد ودیگران اورا "مارکسیست ـ لنینیست" بخوانند. چنین کسی بجای آنکه بجنبش انقلابی سودی برساند زیان میرساند، متاسفانه رفقای کمیته همین راه نادرست را درپیش گرفتند وآنچنان شیفته این راه گردیدند که حتی سازمانی راکه خود ازاعضای آنند نادیده گرفتند وبا آن کوچکترین مشورتی راجائز نشمردند وخودسرانه دست بعاقدامی زدند که عاقبت خوشی را نوید نمیدهد.

کنفرانس . . . بقیه‌ازصفحه ۱

ما درزمینه بین ـ المللی، درایران درقبال رژیم شاه منسوب کرده‌اند. این اتهامات آنچنان ناروا و رسوابود و آنچنان با واقعیت مشی سازمان ما در تضاد بود که به بی‌اعتباری اتهام زنندگان انجامید. سه تن از اعضای هیئت مرکزی ـ وبه وکالت از جانب عضوی دیگر ـ که در کنفرانس شرکت کردند نه تنها پذیرفتند که علت بحران وانشعاب در وجود و مبارزه دامنه‌دار متضاد مارکسیستی وضد مارکسیستی در درون سازمان بوده است، نه تنها پذیرفتند که دوتن ازرفقای مورد اتهام آنها درموضع مارکسیستی قرار داشته‌اند بلکه تمام اتهامات خود را پس گرفتند. فقط یکی از اعضای هیئت مرکزی سابق، فردی آنارشیست و ماجراجو، وقتی شکست اتهامات و دروغهای خود را برای العین دید، حیله تازه‌ای اندیشید ومشی سازمان را این بار در زمینه "احیاء حزب طبقه کارگر" دگرگون جلوه داد.

کنفرانس برای رد اتهامات یاد دیگر مشی سازمان را در زمینه بین المللی و ماهیت رژیم شاه وسیاست سازمان را در قبال رژیم شاه واحیاء حزب طبقه کارگر ترسیم کرد. سازمان ما هیچ گاه از دفاع ازمارکسیسم ـ لنینیسم در برابر پرویزیونیسم بهرشکلی که درآید تردید وتزلزل نشان نداده وپیوسته درموضع اصولی جای داشته است. سازمان ما چنانکه از اسناد سازمانی برمی‌آید نخستین سازمانی است که درقبال "تئوری سه دنیا" ونتایجی که برآن مترتب میگردد موضعی پیگیرجویانه اتخاذ کرده است. و اینرا در خلال مقالات ماهنامه توفان نیزمیتوان بروشنی دریافت.

کنفرانس درعین حال که با توجه بشرایط فعالیت مخفی تکیه را برروی مرکزیت گذاشت اما دموکراسی را ازیاد نبرد مرکزیت ودموکراسی دواصل جدائی ناپذیرند. اگر درشرایط دشوار کنونی مرکزیت برجسته میشود ولی هیچگاه وجود یت دموکراسی نفی نمیشود. باید اشکالی ازدموکراسی یافت که درانطباق با فعالیت مخفی باشد وبدون شک چنین اشکالی رامیتوان یافت.

رفقای حزب کارآلبانی میاموزند که "تمام بقیه درصفحه ۳

اطلاعیه . . . بقیه‌ازصفحه ۱

اوضاع ایران، اوضاع

کشوری که اساس "حزب" باید درآن فعالیت کند گمهای هم برزمین نیاورده است. همین نکته میرساند که شیاد الهام بخش این انشعاب میخواهند برای "حزب" خود درنزد احزاب برادر وجبهه‌ای بسازند وگرنه چگونه ممکن است ازکنگره‌ای، آنهم کنگره احیاء حزب حتی وسطر هم ازمشی حزب در برابر رژیم شاه بروز کند نباید. سرمقاله از "حقانیت شعارها و برنامه‌ها" صحبت میکند. کدام شعارها، کدام برنامه‌ها؟ این مردمان ازتجربه تاریخ نمیاموزند، به تجربه خود شان نیز وقعی نمیگذارند. زمانی که سازمان توفان فعالیت خود را آغاز نمود عده‌ای با قوت تمام پیشگوئی نمودند که همچیک از احزاب برادر و سازمان توفان را برسمیت نخواهد شناخت. اما پیشگوئی آنها غلط ازآب درآمد ونمیتوانست درنیاید. پشتیبانی احزاب برادر برخاطر چشم وابروی این وآن نیست بخاطر مشی صحیح مارکسیستی در تمام زمینه‌هاست. آیا تجربه سازمان توفان آنقدر آموزنده نیست که انشعابگران ازآن درس نگیرند؟

آنچه که انشعابگران "مژده" میدهند احیاء حزب طبقه کارگرنیست، خرابکاری در احیاء حزب است، به تاخیراندختن آنست، برباد دادن تمام آنچیزی است که سازمان توفان واعضاء آن سالها باکوشش وتلاش خود ساخته‌اند، خرابکاری درجنبش انقلابی کارگری ایران است. سازمانهای مارا درایران یقینا این شیوه ضد حزبی احیاء حزب رانمی‌پذیرد. انشعابگران باشرکت بخشی ازسازمانها حزب را "احیاء" میکنند. یک "کمیته مرکزی" درراس آن میگمارند وچنین می‌پندارند که درشرایط ایران همه سازمانها به چنین "کمیته‌ای" خواهند پیوست، "کمیته" ای که نه این سازمانها در تعیین یاانتخاب آن سهمی داشته‌اند ونه سازمان مورد اعتماد آنها، سازمان توفان برچنین شیوه‌ای صحه میگذارد.

یگانه راه احیاء حزب طبقه کارگر همانست که در قطعنامه مصوب هیئت مرکزی آمده است:

"احیاء حزب طبقه کارگر درعرصه ایران پروسه‌ای کم وبیش طولانی راخواهد پیمود که ازایجاد هسته‌ها وسازمانها درنقاط مختلف کشور آغاز میشود. هسته‌ها وسازمانهائی که باتوده‌ها پیوند خواهند یافت ومبارزه آنها رارهبری خواهند کرد. حزب طبقه کارگر ازاین هسته‌ها وسازمانها بیرون میاید".

برسازمان توفان مانند آفتاب روشن است که باشیادی ودروغ وفریبکاری نمیتوان برای مدتی حتی احزاب برادر رافریفت ولی کار حزب طبقه کارگررانمیتوان به سرانجام رساند. احیاء حزب طبقه کارگر بازیچه نیست، مسئله‌ای جدی است. اکنون باید منتظربود که درشماره‌های آینده به سبک رویزیونیست‌ها ازفعالیت همه جانبه "حزب" و "رهبری" مبارزات توده‌ها توسط "حزب" صحبت بمیان آید، چنانکه در همین شماره ازتشکیل "کنگره حزب" وبخش اعلامیه درمیان توده‌ها سخن رفته است. ولی ثمرات شیادی وفریبکاری دیرپا نیست وخیلی زود آنها را رسوا خواهد کرد.

سازمان توفان خوب میداند که نه تنها باید علیه دشمنان خارجی رزمید، بلکه دشمنان داخلی راکه خود را بالباس مارکسیست ـ لنینیست‌ها" میآرایند شناخت باآنها بمبارزه پرداخت وآنها را از صفوف خود بیرون راند. سازمان توفان خوب میفهمد که مبارزه کارآسانی نیست، راهی پرپیچ وخم وطولانی است، مبارزه گاهگاه نیز باناکامی روبرو میگردد، اما همینکه راه درست است پایان آن پیروزی است. سازمان ما بربحرانی که بادست گروهی اپورتونیست بوجود آمد بسرعت غلبه کرد وبیقین برانشعابی که بادست فردی آنارشیست وخرابکار پیش آمده غلبه خواهد کرد. سازمان توفان حقیقت است وحقیقت پیروز است.

www.iran-archive.com

خطاب . . . بقیه از صفحه ۱

وتلاطمات درونی . . . ره تاکنون رشد وبالندگی سازمان ما را سبب گردید . . . .

رشد ایدئولوژیک مبارزه بین دو منش آهنگ عادی خود را از حد رصاد ها از درون به بیرون بروز میکند می بایست فعال و پر تحرک بود وبا روحیه یاس وناامیدی به مقابله برد اخت . می بایست همچون صفحه های خارائین استواروبی تزلزل دفاع از حقیقت مارکسیسم ـ لنینیسم را وجهٔ همت خود قرار داد . اگر منشی صحیح رسازمان ما توانست بربحران اخیرکه سازمان ما را تا لبه پرتگاه رانده بود فایق آید وامروزه بار دیگر وحدت اندیشه وعمل بر سازمان ما حاکم است تنها مرهون منش مارکسیستی اقلیت رهبری در این بحران، هوشیاری رفقای سازمانی وبرخورد پرتحرک وقاطع کادرهای سازمان ما وشرکت فعال آنان در تعیین سرنوشت سازمان ما بود .

روحیهٔ تزلزل وشانه گیری ازمنش پرخوتر وخرونر مبارزه ترسی بدون شک درخدمت پیشبرد مبارزه نبوده ودر رعایت بسود دشمنان طبقاتی خواهد بود .

رفقا و دوستان گرامی !

بروز بحران وغلبه موقتی منش اپورتونیستی در زمینهٔ تشکیلاتی گرچه لطماتی چند برپیکر سازمان ما ، این نهال کوچك امارشد ـ یابنده وارد آورد ، که بدون شك تجربه اندوزی ازنکات منفی و کمبود ها واشکالات پشتوانه ای برای رشد وشادابی آتی سازمان ما خواهد بود ، هوشیاری رفقای سازمانی را ارتقاء مبدهد وسرانجام به رشد کیفی وکمی سازمان ما خواهد انجامید . میبایست با تحلیل ازاین تجارب گرانبها وپرارزش درسهای آموزند ه استخراج کرد و نتایج بدست آمده را وثیقهٔ حرکت آگاهانه ، منضبط ترومتمرکزتر آتی وکوشش وتلاش بی کسست برای کسب پیروزیهای بازهم بیشتر قرار داد . میبایست این امر را بامرخوب بدل نمود ودراین شرایط مساعد فعالیتهای ثمربخش انقلابی را باتوانی هرچه بیشتر ودر این امید تر وایمان استوارتر همچون گذشته پرافتخار سازمان داد و به پیش برد .

سازمان ما همواره به یاری اعضاء وهواداران خود وکمکهای بید ریغ مادی ومعنوی آنان توانسته برمشکلات خود غلبه کند . بدون شك در آینده نیز چنین خواهد کرد .

قطعنامه . . . (ایران) بقیه از صفحه ۱

اگرچه کلید های اساسی اقتصاد ما در دست امپریالیسم امریکا است ولی سوسیال امپریالیسم شوروی واقمار آن نیز در بهره برداری ازمنابع اقتصادی وغارت ثروتهای میهن ما رآنجا وتا آن اندازه که برای منافع امپریالیسم امریکا تحمل پذیر است ، بهره میبرند . در اوج دستهٔ کمیته مرکزی ، این ستون پنجم شوروی که "آزادی واستقلال" میهن ما را در استیلای کامل امپریالیسم شوروی برایران می بیند ، خود را در خدمت اهداف نواستعماری شوروی گذاشته وپیوسته برای نیل به این هدف نامقدس تلاش میورزند .

رژیم شاه پایگاه وژاندارم امپریالیسم امریکا در منطقهٔ خلیج فارس است . وظیفهٔ آن سرکوبی جنبشهای رهائی بخش خلقهای این منطقه ، تامین منافع امپریالیسم واجرای سیاست امپریالیسم امریکا است .

ورشکستگی کامل اقتصادی ، پائین افتادن تولیدات ملی بویژه در کشاورزی ، وابستگی شدید تولیدات صنعتی بامپریالیستها ، سیاست بازرگانی خائنانه در رهای بازار کنایی نیازمند یهای ابتدائی وحیاتی مردم ، تورم ، گرانی ، گرانفروشی ، فساد ورشوه خواری ، فقدان امنیت . . . اینها همه از عواقب استقرار تسلط رژیمی است که تامغز استخوانش به امپریالیسم وابسته است .

رژیم ایران مصداق کامل رژیمی ضد ملی ، ضد دموکراتیك فاشیستی ویلیسی است مصداق کامل وابستگی به امپریالیسم بویژه امپریالیسم امریکا است وتازمانی که این رژیم برپا است عواقب شوم و اسارت بار آن برجا است . یگانه راه رهائی خلقهای ایران سرنگونی حکومت شاه واستقرار یك حکومت دموکراسی تود ه ای واقعی است که جز از راه نبرد انقلابی همهٔ نیروهای شیفتهٔ آزادی واستقلال به رهبری طبقهٔ کارگر ایران واز طریق جنگ تود ه ای دست نمیدهد .

نبرد طبقات واقشار مختلف جامعهٔ ما سالها است بلا انقطاع ادامه دارد . رژیم شاه علیرغم اعمال وحشیانه ترین طرق تروروشکنجه قادر نیست قلعهٔ پوسیده وکهنه ای را که در آن نشسته ازیورش خلقهای ما مصون دارد . مردم میهن ما میرزمند ، بزند ان می افتند

قطعنامه . . . (بین المللی) بقیه از صفحه ۱

لنینیست ها ونیروهای انقلابی است . دوابرقدرت امریکا وشوروی جدا از لحاظ هدف استراتژیك خود وجه از لحاظ طرقی که برای نیل به این هدف در پیش میگیرند دو دشمن بزرگ سوسیالیسم وخلقهای جهان اند .

علیرغم اینکه سوسیال امپریالیسم شوروی با امپریالیسم نوخاسته خشن ، تجاوزگر وتوسعه طلب است ، این حکم که امپریالیسم امریکا در سطح جهانی گویا هوادار حفظ وضع موجود ، امپریالیسم در حال افول ودر قبال شوروی در موضع دفاعی است ، امپریالیسمی کمتر خطرناك است ، حکمی زیانمند بمامر انقلاب است . از اینرو نمیتوان ازمبارزه علیه یکی از دو ابرقدرت فی المثل مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم امریکا بطفیل مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی غفلت ورزید وبالعکس .

تضاد خلق ها منحصر به تضاد باد وابرقدرت نیست تضاد باقدرتهای امپریالیستی دیگر را نیز دربرمیگیرد . این قدرتهای امپریالیست درستم به خلقها ودر غارت واستثمار آنها همدست و همداستان دو ابرقدرت اند . دنیای امپریالیسم به دو ابرقدرت محدود نمیشود وتضاد میان امپریالیسم های غرب باد وابرقدرت به هیچ وجه دال بر آن نیست که دنیای واحد امپریالیسم موجودیت خود را از دست داده وسرشت این یا آن امپریالیسم دستخوش دگرگونی گردیده است . واقعیت کنونی جهان حاکی از وجود یك سیستم واحد امپریالیستی است که به بلوك غرب به سرکردگی امپریالیسم امریکا با پیمان اتلانتیك شمالی بعنوان افزارنظامی آن و بلوك شرق به سرکردگی سوسیال امپریالیسم شوروی با پیمان نظامی ورشو تقسیم شده است . سرشت امپریالیسم غرب که از آن ستمگری وغارت واستثمارمی تراود بهیچوجه تفاوتی با سرشت دو ابرقدرت ندارد ولذا همانطورکه مبارزه علیه یك ابرقدرت ازمبارزه علیه ابرقدرت دیگر جدا نیست ، مبارزه باد و ابرقدرت ازمبارزه با امپریالیسم ونیز ازمبارزه باد ولتهای فاشیستی وارتجاعی کشورهای عقب نگاه داشته شده که باهزاران ریسمان به این یا آن ابرقدرت وسوسیال امپریالیست ها وابسته اند نمیتواند جدا باشد . مبارزه پرولتاریا همراه با متحدین خود علیه طبقات حاکم بخاطر انقلاب پرولتاریائی ـ چنین است نتیجه ای که از تحلیل علمی جهان کنونی بدست میآید .

کنفرانس برآنست که "تئوری سه دنیا" تضاد های اساسی جهان کنونی را به تضاد کشورها باد وابرقدرت وبویژه با سوسیال ـ امپریالیسم شوروی منحصر میسازد ، سوسیال امپریالیسم شوروی را دشمن عمدهٔ همهٔ خلقها بحساب میگذارد ونبرد باوی را بمثابه وظیفهٔ عمدهٔ پرولتاریا واحزاب مارکسیست ـ لنینیست مینگرد و در نتیجه سازش پرولتاریا را با بورژوازی امپریالیستی وسازش خلقهای تحت ستم ملی را با امپریالیستها ودیگر باد ولتهای فاشیست وارتجاعی خود موعظه میکند ، "تئوری" سازشکارانه ، اپورتونیستی و رویزیونیستی است . سازمان ما هرگز با این "تئوری" سرسازگاری ندارد ومبارزه با آنرا از وظایف جدی سازمان بشمار میاورد .

کنفرانس برآنست که در سطح جهانی رویزیونیسم کماکان خطر عمده در جنبش مارکسیستی ـ لنینیستی است . تنها با افشاء رویزیونیسم ومبارزه مستمر علیه آن ونبرد انقلابی بخاطر سرنگون ساختن طبقات حاکم میتوان تود ههای کارگر وزحمتکش را از زیر نفوذ رویزیونیستها بدر آورد وآنها را بسوی انقلاب پرولتاریائی رهنمون شد . "تئوری سه دنیا" که سازش پرولتاریا وتود ههای زحمتکش را با دشمنان خلق توصیه میکند آب به آسیاب رویزیونیست ها میریزد وآنها را در مبارزه با مارکسیسم ـ لنینیسم ودر تبلیغات عوامفریبانه بخاطر جلب پرولتاریا وتود ههای زحمتکش یاری میدهد .

کنفرانس اقدام شجاعانه حزب پرافتخار کارآلبانی ودر راس آن رفیق انورخوجه را در مبارزه علیه "تئوری" اپورتونیستی ورویزیونیستی "سه دنیا" باخوشحالی فراوان استقبال میکند وگزارش رفیق انورخوجه را در هفتمین کنگرهٔ حزب کارآلبانی یك خدمت بزرگ به امر مقدس انقلاب ووحدت انقلابی جنبش کمونیستی بین ـ المللی میداند .

کنفرانس . . . بقیه از صفحه ۲ — موضوع برسر . . .

بکار بستن اصل سانترالیسم دموکراتیك برطبق شرایطی است که حزب در آن بسر میبرد : مخفی ، علنی ، نیمه علنی ، در زیر سلطه سرمایه داری یا در شرایط سوسیالیسم" برطبق مراحل تکاملی انقلاب و تکامل خود حزب ، شیوهٔ تحقق وترکیب سانترالیسم و دموکراسی فرق میکند وطور دیگر هم نمیتواند باشد . اما اصل سانترالیسم دموکراتیك همیشه یك اصل اساسی ونقض ناپذیر برنامهٔ حزب انقلابی طبقهٔ کارگر است" .

کنفرانس تصمیم گرفت که هیئت مرکزی را از صورت ارگانی که افراد آن در مقام رهبری ابدی وجاودانی اند ، ارگانی کند در برابر هیچکس ، هیچ مقامی مسئول نیست وهیچگونه کنترلی برروی آن اعمال نمیشود ، بدر آورد و آنرا به ارگانی مسئول مبدل کرد اند که در مجمعی انتخاب شود ودر برابر همان مجمع هم مسئول باشد .

کنفرانس از چرائی که گریبان سازمان را گرفته آموخت و تصمیمات وتدابیری اتخاذ کرد برای آنکه سازمان در آینده با چنین اشکالاتی با چنین ضایعات زیان آوری مواجه نگردد . وعنصری فریبکار وماجراجو وفرصت طلب نتواند با خرابکاری تلاش صدها رفیق سازمانی را طی سالهای متمادی برباد دهد .

سازمان توفان تازمانی که وظیفهٔ عمدهٔ آن باحیاء حزب طبقهٔ کارگر در عرصهٔ ایران ، بسرانجام نرسیده ، برجای خواهد ماند . کنفرانس سازمان توفان وتصمیمات آن قدمی است در بهبود سبك کار در سازمان ، گامی است که نه تنها زیانهای ناشی ازخرابکاری عناصر اپورتونیست وفرصت طلب ماجراجو را جبران خواهد کرد بلکه با طرد عناصر ماجراجو و خرابکار راه را برای پیشرفت سریع سازمان خواهد گشود .

عنوان مکاتبات
X.DR.GIOVANNA GRONDA
87030-ARCAVACATA-(CS) ITALY

حساب بانکی
X.DR.GIOVANNA GRONDA
CONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

چه کسی . . . بقیه از صفحه ۴

ومن امیدوارم که همه جهان ، جهان سوم ، جهان دوم وحتی جهان اول یعنی امریکا در این کارتلاش وهمدردی کنند " .

در همین مصاحبه بار دیگر در تعیین یك استراتژی سه دنیائی برای جلوگیری از جنگ جهانی ، مارده ۲ تاکید میکند :

"باید نقشهٔ عمومی جنگی را که شوروی کشیده است نابود کرد ومن امیدوارم همه جهان ، جهان سوم ، جهان دوم وحتی جهان اول یعنی امریکا چنین تلاشی خواهد کرد " .

یکی ازمطبوعات هوادار "تئوری سه دنیا" که براین مصاحبه مقاله ای اختصاص داده در دست همین قسمت ازمصاحبه را مسکوت گذاشته است . آیا روشن نیست که هواداران "تئوری سه دنیا" آنطورکه در سرشت رویزیونیسم است ، برای بکرسی نشاندن این "تئوری" حقایق را تحریف میکنند ؟ آیا جز این نیست که هواداران "تئوری سه دنیا" برای آنکه عرق شرم برپیشانیشان ننشیند همکاری با امپریالیسم امریکا را در یك "جبههٔ جهانی هرچه وسیعتر" علیه سوسیال امپریالیسم شوروی میپوشانند ؟

شکنجه می بینند ، جان می بازند ولی تسلیم نمیشوند . مبارزات اعتصابی طبقهٔ کارگر بخاطر بهبود شرایط کار وزندگی وحقوق اجتماعی ، مبارزهٔ دهقانان بخاطر زمین وآب ، مبارزهٔ دانشجویان بخاطر تامین حقوق صنفی واجتماعی ومبارزهٔ تود ههای مردم بخاطر رفع مشکلاتی که رژیم هرآن بر سر برابر آنها می آفریند ، "ثبات" و "امنیت" رژیم را برهم میزند و پایه های رژیم شاه را همواره استوارتر وبی تزلزل تر میکرد اند .

امانبرد قهرمانانه ، تسلیم ناپذیر ودر تود ههای خلق پراکنده است ، فاقد تشکل ورهبری است که فاقد آن ستاد سیاسی است که مبارزات بی امان خلق های میهن ما را در صحنهٔ نبرد طبقاتی هدایت کند وبه پیروزی برساند . رفقای انقلابی ما سالهاست در ایران در شرایط سخت وشوار بمدارك سازمانی احیاء "حزب طبقهٔ کارگر" اشتغال دارند . کوشش های خستگی ناپذیر آنها پیوسته ثمرهٔ تازه ای می بخشد واحیاء "حزب طبقهٔ کارگر" را در آینده ای نزدیك نوید میدهد .

احیاء "حزب طبقهٔ کارگر" وصحنهٔ ایران که سرآغاز مرحلهٔ نوینی در تاریخ مبارزات پس از کودتا است باید بر پایه ای محکم استوار باشد تا در جریان تند وحوادث از پای نیفتد . این نکتهٔ مهمی است که همهٔ رفقای سازمانی وبویژه رفقای ایران باید بدان توجه داشته باشند وجولانه ویکجانبه دست بیاقدامی نزنند که ثمرات تلخی ببار آورد .

www.iran-archive.com

تفرقه وپراکندگی نیروهای شیفتهٔ آزادی واستقلال را تضعیف میکند ، آنرا بوحدت بدل گردانیم

توفان

شماره ۱۲۱ دوره سوم
آبان ۱۳۵۶
نوامبر ۱۹۷۷

قطعنامهٔ کنفرانس

در مبارزه با تفرقه و پراکندگی

پراکندگی و ازهم گسیختگی موجود میان نیروهای اپوزیسیون خارج ازکشور، واقعیت دردناکی است که نمیتواند مایهٔ تاسف مبارزین راه رهائی وبسود دشمنان خلق ایران نباشد.

دشمنان خلق برای حفظ وتحکیم فرمانروائی خود، برای اجرای مقاصد شوم خود ازنفاق وپراکندگی در صفوف نیروهای انقلابی شادمانند وهرکجا اتحاد ویگانگی جای نفاق وپراکندگی رابگیرد، فورا به تلاش برمیخیزند تا با هروسیله‌ای که در اختیار دارند یگانگی مبارزان را برهم زنند ویگانگی رابجای آن بنشانند. شعار امپریالیستی "تفرقه بیند از وحکومت کن" واقعیتی است که محصول سالها تجربهٔ دشمنان خلق است. این واقعیتی است که برهیچکس پوشیده نیست. نیروهای انقلابی شیفتهٔ آزادی واستقلال ایران در خارج از کشور حق ندارند به استقبال این نیت دشمنان خلق بروند. تفرقه ای که هم اکنون در صفوف گروه ها وسازمانهای خارج از کشور است، تفرقه ای که در پاره‌ای موارد کار را به نفاروحتی بخصومت بیهوده وزیان بخش کشانده است، نمیتواند ونباید بیش از این دوام یابد.

نیروهای واقعا ملی ودموکراتیک همه در مبارزه علیه رژیم فاشیستی شاه، در مبارزه علیه دشمنان داخلی وخارجی ایران هم رأی وهمدستانند. گروهها وسازمانهای مترقی خارج از کشور حق ندارند این نکته مهم را بدست فراموشی بسپارند. حق ندارند براختلافات موجود، اختلافات تازه تری بیفزایند ونفاق وپراکندگی را بیش از این دامن زده وتا سرحد خصومت های بیهوده بکشانند.

البته میان نیروهای اپوزیسیون هوادار آزادی واستقلال بر سر یک سلسله مسائل تئوریک وسیاسی اختلاف نظر وجود دارد ولی وجوه مشترک آنها حائز آنچنان اهمیتی است که میتوانند مبارزهٔ آنها را هم آهنگ سازد، جهت دهد وتقویت کند. براثر هماهنگ ساختن مبارزهٔ مشترک وسالم ساختن روابط واستقرار مناسبات عادی و دوستانه چه بسا مسائل مورد اختلاف پس از بحث و تبادل نظر بموافقت و نزدیکیهای بیشتر تبدیل گردد.

نیروهای اپوزیسیون خارج از کشور وظیفه دارند که هر چه سریعتر پراکندگی را بجمع بدل کنند ونزدیکی چند وباختی یک شعار عام ملی ودموکراتیک که مورد قبول همگان باشد، توافق کرده و بمبارزه علیه رژیم شاه شدت بخشند.

طبیعی است که نیروهای مختلف میتوانند همچنان بتبلیغ حد اکثر شعارهای سیاسی خود جداگانه و مستقل از دیگران ادامه دهند. اما این امر نباید باعث تفرقه وعدم اتحاد در مبارزهٔ مشترک نیروها گردد. نفاق وپراکندگی کنونی بهر علتی که باشد مبارزه علیه رژیم فاشیستی وابسته به امپریالیسم را تضعیف میکند وتیروی مبارز را هدر داده وبه خرده کاریهای بی اثر وبارکاریهای کم ثمر وامی دارد.

سازمان ما بشهادت صفحات ماهنامهٔ توفان، پیوسته اتحاد وهم آهنگی مبارزهٔ نیروهای واقعا ملی ودموکراتیک را در مبارزه علیه دشمنان خلق تبلیغ کرده است واکنون نیز با پیگیری این مشی را ادامه میدهد. ما یک بار دیگر براین مشی اصولی خود تاکید کرده وازهمهٔ نیروهای مترقی خارج ازکشور دعوت میکنیم که به ندای سازمان ما مبنی بر پیشبرد مبارزهٔ مشترک پاسخ مثبت دهند.

چه کسی حقایق را تحریف میکند ؟

"تروتسکیستها وروبزیونیستها . . . این تحلیل صحیح جمهوری توده ای چین راکه برآنست ابرقدرت شوروی منشا اصلی جنگ جهانی است بدینگونه تحریف میکنند گویا جمهوری توده ای چین ابرقدرت شوروی را تنها دشمن عمدهٔ خلقهای جهان میداند و درنتیجه در تدارک یوی تشکیل جبههٔ "واحدی" با ابرقدرت امریکا علیه آنست" (ازهواداران ایرانی "تئوری سه دنیا"). (تکیه ما است ــ توفان)

اما تن سیائوپین در مصاحبهٔ خود با نمایندگان مطبوعات فرانسه مطلب را اینگونه بیان میکند :

"باید نقشهٔ عمومی جنگی را که شوروی کشیده بقیه در صفحهٔ ۳

قطعنامهٔ کنفرانس

در علت بحران و راه غلبه برآن

کنفرانس سازمان مارکسیستی ــ لنینیستی توفان پس از بررسی اسنادی که در زمینهٔ بحران درون سازمانی از جانب دو طرف اختلاف چاپ و پخش شده و پس از استماع نظریات شرکت کنندگان در کنفرانس به نتیجهٔ زیر رسید :

یگانه علت بحران کنونی در وجود "مبارزهٔ" دو مشی در زمینهٔ سازمانی است: یکی خط مشی لنینی مبتنی بر مرکزیت ومرکز امور در دست رهبری سازمان ودیگری خط مشی ضد لنینی پراکندگی تشکیلاتی و تفرقهٔ سازمانی که امکان وحدت عمل واندیشه را از سازمان سلب میکند.

خصوصیات مشی اپورتونیستی بنابرلنین عبارت است از: "دفاع از خود مختاری در مقابل مرکزیت"، "آنارشیسم اشرافی"، "محفل بازی" (لنین) و "لیبرالیسم" (مائوتسه دون). لنین این مشی را "اپورتونیسم در مسائل سازمانی" نام میگذارد ومائوتسه دون آنرا "مظاهر اپورتونیسم" میداند که "ازاساس با مارکسیسم در تضاد است".

خصوصیات مشی سازمان ما که در قطعنامه تابستان ۷۶ به اتفاق آرا بتصویب رسیده عبارت از "هرج ومرج، فقدان تشکیلاتی، اتخاذ تصمیمات انفرادی، محلی گری ومعایبی نظیر اینها است. هیئت مرکزی سازمان در واقع نام بی مسمائی است واگر موارد استثنائی را کنار بگذاریم عملا نقش رهبری سازمان را بازی نمیکند" واین همان نظاهرات اپورتونیسم تشکیلاتی است.

مسئول بروز غلبهٔ این مشی اپورتونیستی چنانکه از اسناد برمیاید ولذا مسئول بحران کنونی سازمان، اکثریت هیئت مرکزی است که تمام اقدامات وتدابیر بخاطر اصلاح این مشی را باشکست روبرو کرده اند.

سازمان توفان که سازمانی مارکسیستی ــ لنینیستی است نمیتواند از اپورتونیسم تشکیلاتی تبعیت کند ونمیتواند در زمینهٔ سازمانی جز از موازین لنینی، جز از اصول مارکسیسم پیروی نماید.

از اینرو کنفرانس برآنست که مشی اپورتونیستی در زمینهٔ سازمانی باید جای خود را به مشی لنینیستی واگذارد، مشی ئی که همهٔ امور سازمان را در دست هیئت مرکزی متمرکز میسازد وازهرگونه پراکندگی تشکیلاتی، گروهی گری وهرج ومرج ولیبرالیسم جلوگیری کند.

کنفرانس در عین حال برآنست که مرکزیت ودموکراسی از یکدیگر جدائی ناپذیرند. البته در جمع مرکزیت ودموکراسی، مرکزیت جهت عمده است واین برجستگی در شرایط فعالیت مخفی بویژه در شرایط ترور واختناق شدید رژیم شاه اهمیت بسیاری پیدا میکند ولی در هرحال عمده بودن سانترالیسم بمعنی نفی کامل دموکراسی نیست. متاسفانه رهبری سازمان ما از حد اقل امکانات جهت اعمال دموکراسی در سازمان وایجاد زمینهٔ کنترل از پائین بر بالا که میتوانست از بروز و توسعهٔ بحرانی که دامنگیر سازمان ما شد، جلوگیری کند استفاده لازم را بعمل نیاورد. رهبری سازمان باید باتوجه به امر پنهانکاری، اصل دموکراسی را در آنجا وتا آن حد که ممکن است به مرحلهٔ عمل درآورد.

کنفرانس برآنست که همهٔ اصول دیگر سازمانی حزب طبقهٔ کارگر مانند انتقاد وانتقاد ازخود، مشی توده ای، کنترل ازبالا و ازپائین وگزارش دهی باید درآینده اکید امراعات شود.

کنفرانس تمام اتهامات اکثریت هیئت مرکزی را به رفقائی که در مشی صحیح پافشاری کرده اند، مردود میشمارد. وبرآنست که رجاز چوب اصل حزبی انتقاد وانتقاد ازخود چنانکه رفقای کنفرانس انتقاداتی نسبت بیکدیگر دارند میتوانند آنها را مطرح سازند وازاینطریق به حسن تفاهم واعتماد متقابل میان رفقا ومدیدن روح اعتماد درکلیه رفقای سازمانی یاری رسانند.

قطعنامهٔ کنفرانس

خطاب به اعضاء و هواداران سازمان توفان

رفقا ودوستان گرامی !

بیش از ده سال ازعمر سازمان مارکسیستی ــ لنینیستی توفان میگذرد. سازمان ما در شرایط بروز روبزیونیسم در جنبش کارگری و کمونیستی جهان ومبارزه با آن، پیدایش انحرافات کاستریستی و کوارتیستی در میان جوانان وروشنفکران انقلابی وتشتت فکری و پراکندگی مارکسیست ــ لنینیست ها پا به عرصهٔ وجود گذارد. از همان آغاز کار وعلیرغم نیروی اندک مشی صحیح ورونق مارکسیستی لنینیستی را در تمام زمینه های ایدئولوژیک، سیاسی وسازمانی در مقررفرمانده قرار داد وما صراحت وصداقت وبراساس وحدت اندیشه وعمل امر مقدس مبارزه با رژیم شاه، امپریالیسم وارتجاع جهانی ودفاع ازکشورهای سوسیالیستی وجنبش های انقلابی خلقها بر اساس انترناسیونالیسم پرولتری را در دستور کار خویش گذارده و آنرا پیگیرانه دنبال نمود. سازمان ما ازهمان آغاز ایدهٔ انقلابی وامر خطیر احیاء حزب طبقهٔ کارگر وعرصهٔ ایران را وظیفهٔ مبرم ومرکزی فعالیتهای خویش قرار داد واکنون نیز مصرانه در جهت تحقق این تحول تاریخی در حیات جنبش کارگری در میهن ما گام برمیدارد. سازمان ما با تکیه براصولیت لنینی هیچگاه از مبارزهٔ معتد وخستگی ناپذیر علیه رویزیونیسم خروشچفی وبه اردو ستهٔ مرتد کنیتهٔ مرکزی وانواع واقسام انحرافات راست وچپ غافل نماند واین امر مهم را تابع مصالح آنی وروزمره قرار نداد. در شرایط کنونی نیز امر خطیر مبارزه با آن نظرات ضد لنینی را که در وجود تئوری سه دنیا فرموله شده است باشدت وقاطعیت همیشگی پیش میبرد. سازمان ما ازهمان ابتدای کار دوست ودشمن را بدرستی ازیکدیگر تمیز داده، به تقویت وبسط جنبش دموکراتیک وضد امپریالیستی خلق مادر حد وتوان خود یاری رسانید وبروزی امر مقدس وحدت نیروهای انقلابی مصرانه پافشاری کرد. در این راه گامهای مشخصی برداشت ودر آینده نیز از هیچ کوششی در این زمینه فروگذاری نخواهد کرد. سازمان ما همواره براین عقیده بوده وهست که سازمانهای توده ای، سازمان توده ها ومرکز تشکیلاتی تجمع آنهاست ولذا می بایست دربرگیرندهٔ همه وبالا اقل اکثریت قاطع ملاحظهٔ آنان باشد. بعنوان نمونه تاکید برحفظ وگسترش وتحکیم پایه های توده ای کنفدراسیون آنهائیکه برمشی روشن ضد رژیم ضد امپریالیستی آن، واجرای این رهنمود در عمل تبلور بارز این سیاست ونشانهٔ صحت نظرات سازمان ما در این زمینه است. علاوه برموارد بالا، موفقیت های سازمان ما را در عرض این مدت میتوان در جلب روز افزون افراد آگاه وانقلابی بسازمان ودرنتیجه رشد وگسترش کمی وکیفی آن در عرصهٔ داخل وخارج کشور، ایجاد وحدت انقلابی با احزاب برادر مارکسیست ــ لنینیست در نقاط مختلف، انتشار منظم ارگان سازمان بزبانهای فارسی وخارجی، انتشار بیش از ۵۰ نشریه چندین اثر ادبی با ارزش در زمینه های مختلف وموارد دیگر برشمرد.

کلیه این موفقیت ها در درجهٔ اول نشانهٔ پیروی سازمان ما از یک مشی صحیح مارکسیستی ــ لنینیستی ودر درجهٔ دوم برخورداری ازوجود اعضاء وکادرهای انقلابی وکمک ومساعدت بی دریغ هواداران در درون ویرون یک سازمان ما است.

اما این جنبهٔ مثبت فعالیت وکسب موفقیت های ناشی از آن، نشانهٔ عدم وجود کمبودها ومشکلات وحوادث موقتی ناگوار نبوده ونمیتوانسته است باشد. بعنوان نمونه: مبارزهٔ درونی که مدتی است در زمینهٔ یک رشته مسائل سازمانی وموازین تشکیلاتی بصورت دو مشی متضاد در برابر هم قد علم کرده وبا غلبه مشی نادرست وانحرافی، سازمان ما را برای مدتی با عارضه وبحرانی در درونی مواجه ساخت، بسازمان ما ضربات موقتی وگذرا وارد آورد. اما سازمان ما ازهمان آغاز کار با سنگین مشکلات ووقوع حوادث وپدیدهای ناگوار رایجان خرید وبدان خوگرفته است. ازهر پدیدهٔ ناگواری که برسر راه آن بروز کند، تحلیل علمی خواهد کرد وباجمع بندی ازجوانب گوناگون آن، توان مبارزاتی خویش را هرچه بیشتر شدت وافزایش خواهد داد.

سازمان ما که در گذشته توانست ضایعهٔ دستگیری گروهی از اعضای سازمان را پایانشد پدید فعالیت خود جبران کند وسپس ماتم حاصل از درگذشت رفیق قاسمی را به نیرو مبدل سازد، امروز نیز میتواند وباید امر بد بحران کنونی را بامر خوب بدل گرداند.

چنین مبارزه درونی پدیده های عادی است وذاتی هرسازمان سیاسی طبقهٔ کارگر میباشد. مبارزهٔ درونی وبیرونی رابطهٔ متقابل داشته وازهم جدائی ناپذیرند. سازمان ما نیز کمدت در مسائل فعالیت پرجوشش را برعلیه دشمنان طبقهٔ کارگر به پیش رانده طبیعتا در درون نیز درگیر تضاد ومبارزه بوده بقیه در صفحهٔ ۳

وحدت صفوف سازمان را حفظ کنیم، از کاشتن تخم نفاق وبدگمانی بپرهیزیم

www.iran-archive.com